

حسبه نویسی در تمدن اسلامی تا سده نهم ق؛ علل و مؤلفه‌ها

محمد رضائی¹

(دریافت: 99/11/26، پذیرش: 1400/02/25)

چکیده

از سده سوم ق، به موازات شکل‌گیری سازمان‌ها و نظم اجتماعی، حسبه نویسی نیز در حال تکوین بود و تا سده نهم ق با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافت. عوامل متعددی همچون نگرانی از انحرافات، امر به معروف و انتقال تجربه در نگارش این گونه منابع نقش داشته و از مؤلفه‌های مذهبی در قالب رویکردهای فقهی و مسائل محلی متأثر شده است. در پژوهش حاضر کوشش شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، علل نگارش، مؤلفه‌های تأثیرگذار و ویژگی‌های حسبه نویسی تا سده نهم ق بررسی و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: عوامل، زمینه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر تکوین و تداوم حسبه نویسی در تمدن اسلامی چه بود؟ علل چندی مانند رونق شهرنشینی و پیچیدگی روابط اجتماعی، نگرانی‌های دینی و انتقال تجربه، زمینه نگارش چنین آثاری را پدید می‌آورد و رویکرد فقهی، مسائل محلی و جایگاه نویسندگان، موجب تفاوت‌هایی میان آثار موجود در این باب شده است.

واژگان کلیدی: حسبه، علل و عوامل، فقها، محتسب، محتوا

1. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان،

ac.m.rezaei@azaruniv.ac.ir

۱- مقدمه

از منابع ارزشمند در پژوهش‌های تاریخی، تاریخ اجتماعی شهرها و زندگی پیشه‌وری، آثار خاص امر حسبه است. نمونه‌های گوناگونی از حسبه نویسی از سده سوم تا دوره معاصر در سراسر دنیای اسلام به رشته تحریر درآمد، گرچه تنها در برخی ادوار و مناطق، نگارش این نوع کتاب‌ها با اقبال بیشتری مواجه می‌شد. این آثار با توجه به رویکرد مذهبی و فقهی نویسندگان، شرایط اجتماعی و محلی، تجربه‌های شخصی و منابع، شباهت‌ها و افتراق‌هایی داشت و بسته به اینکه مؤلف متصدی امور حسبه بود یا نه، به دو دسته نظری و کاربردی تقسیم می‌شوند و هر یک ویژگی‌های خاصی دارند. حسبه نویسی بخشی از میراث مکتوب تمدن اسلامی، حاوی اطلاعات تاریخی و اجتماعی ارزشمندی از سده سوم تا نهم ق است و چنین به نظر می‌رسد که تاکنون به صورت جامع بررسی نشده است.

در باب موضوع این مقاله، به صورت مستقل پژوهشی صورت نگرفته، ولی اهمیت نهاد حسبه و ویژگی‌های آن موضوع پژوهش‌های ارزشمندی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه بوده است که برای پرهیز از تفصیل، در اینجا تنها به شماری اشاره می‌شود. در برخی پژوهش‌های مربوط به سیر تاریخی نهاد حسبه و مقام محتسب در مناطقی مانند مصر و اندلس، در ضمن به منابع و مصادر این موضوع در مناطق مختلف عالم اسلام نیز پرداخته اند (ابوزید، ۱۳-۳۳؛ حسین و عبدالحمید، ۳۴-۴۹)، ولی بخش اصلی این کتاب‌ها به موضوع حسبه در این دو منطقه اختصاص دارد. گود فروا نیز آثار مربوط به حسبه را طبقه بندی کرده است (گودفروا، ۴۵۶ به نقل از پاکتچی، ۷۱۵-۷۱۶). در «کتابشناسی حسبه»، مشخصات کتاب‌شناسی ۲۵۶ کتاب و رساله تا زمان چاپ مقاله مذکور به دست داده شده است (باقری بید هندی، ۱۲۸-۱۵۰). در مقاله «معرفی کتاب الاحتساب حسن اطروش» شرحی از کتاب این حاکم علوی آمده است (کاوسی و رضوی، ۱۳۹۴). در برخی مداخل دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مانند «ابن اخوه» (پاکتچی، ۷۱۵-۷۱۶) و «ابن عبدون» (رحیم لو، ۲۰۷ / ۴) به صورت مختصر به ویژگی‌های کتاب‌های این دو نویسنده در باب حسبه توجه شده است. در مدخل «حسبت» نیز با وجود پاره‌ای ایرادات، منابع حسبه، تقسیم بندی و معرفی گردیده است (سجادی، ۲۰ / ۴۹۰-۴۹۳). همچنین در مقاله «ثلاثه مخطوطات فی الحسبه» آگاهی‌های قابل توجهی درباره چند نسخه خطی مربوط به حسبه در کتابخانه‌های دنیای اسلام آمده است (هلال

السرحدان، ۳۹۷-۳۰۴). در مقاله «پژوهشی درباره پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آن‌ها بر اساس معالم القربه فی احکام الحسبه»، مؤلف، چنان‌که از عنوان مقاله پیداست، اخلاق شغلی و تدلیس‌های این گروه‌ها را با استفاده از اطلاعات موجود در اثر ابن اخوه بررسی کرده است (فرخی و ناصری، ۷۳-۱۰۶). پایان‌نامه‌های چندی نیز در این زمینه در دست است، از جمله رساله دکتري «حسبه در سرزمین‌های شرق اسلامی از آغاز تا سقوط بغداد» (بادکوبه، ۱۳۷۶). بخش دوم پایان‌نامه «مآخذ شناسی نهاد حسبه در شرق جهان اسلام» نیز به معرفی ۶ منبع نوشته شده در شرق جهان اسلام اختصاص یافته است (کاوسی، ۳۵-۱۰۶). با وجود پژوهش‌های انجام‌شده، به ویژگی‌های کتاب‌های خاص حسبه، عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حسبه نویسی چنان‌که باید توجه نشده است و پژوهش‌های صورت‌گرفته، بیشتر به معرفی نهاد حسبه، کارکردها و وظایف محتسب پرداخته‌اند. در مقاله حاضر کوشش شده است تا علاوه بر معرفی منابع حسبه، ویژگی‌ها و زمینه‌های نگارش آن‌ها در تمدن اسلامی تا سده نهم با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تاریخی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، به این پرسش پاسخ داده شود:

تکوین و تداوم حسبه نویسی در تمدن اسلامی، چه عوامل، زمینه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر داشت؟

چنین به نظر می‌رسد که علل و مؤلفه‌های چندی مانند گسترش شهرها و رونق شهرنشینی و در نتیجه پیچیده شدن روابط اجتماعی در کنار نگرانی‌های دینی، آموزش و انتقال تجربه، عامل نگارش چنین آثاری بوده است. از سوی دیگر، رویکرد مذهبی و فقهی، مسائل محلی و جایگاه نویسندگان تفاوت‌هایی میان این قبیل آثار پدید می‌آورد.

۲- نگاهی گذرا به سیر تاریخی تکوین و تداوم حسبه نویسی تا سده نهم ق

کتاب‌ها و رساله‌های مربوط به موضوع حسبه را می‌توان بر اساس سیر تاریخی، منطقه جغرافیایی و میزان کارایی آنها تقسیم کرد، ولی چنین به نظر می‌رسد که بررسی آنها بر اساس توالی تاریخی، در شناخت تکوین، تداوم، شکوفایی و افول این دسته از منابع کارآیی بهتری داشته باشد. از آغاز نگارش چنین کتاب‌هایی اطلاعی در دست نیست، ولی شکل‌گیری امر حسبت و نهاد آن، به طور طبیعی تألیف چنین آثاری را ضروری جلوه می‌داده است. در مدخل «حسبت» به اشتباه کتاب «علم الاحتساب» به عنوان اولین کتاب در امر حسبه (سجادی، ۲۰/۴۹۰) به نقل از حاجی خلیفه، به محمد بن حسن

شیبانی نسبت داده شده است.^۱ باید یادآوری کرد که منظور حاجی خلیفه از «علم الاحتساب» جایگاه حسبه در تقسیم‌بندی دانش‌ها بوده است (حاجی خلیفه، ۱/ ۱۵). مؤلف الفهرست از دو اثر با عنوان الحسبه الكبير و الحسبه الصغير اثر احمد بن محمد بن مردان بن طیب سرخسی (۲۸۶ ق) تألیف شده در بغداد یاد کرده است که در حال حاضر در دست نیست^۲ (ابن ندیم، ۴۷۳). در قرن سوم ق از کتاب احکام السوق^۳ (یحیی بن عمر، بی تا) در اندلس و در اواخر این سده در مناطق شمالی ایران، از کتاب الاحتساب ناصر کبیر (۲۳۰-۳۰۴ ق)، از پیشوایان زیدی اطلاع داریم (الاطروش، ۳۸-۷۴). در قرن چهارم ق با نگارش الاحکام السلطانیه^۴ و الولايات الدینییه این روند در بغداد ادامه یافت (ماوردی، ۲۰۰۶؛ ابی یعلی، ۲۰۰۰). اشتهار ماوردی سبب شده است تا برخی پژوهشگران به اشتباه وی را آغازگر حسبه نویسی در شرق عالم اسلامی بدانند (ابوزید، ۲۵)، ولی ملاحظه شد که پیش از وی نیز شماری نسبت به این موضوع اهتمام داشته‌اند. با توجه به اینکه بخش کوتاهی از این دو اثر به حسبه اختصاص یافته (ماوردی، ۳۴۹-۳۷۳؛ ابی یعلی، ۲۸۵-۳۰۸)، در مقایسه با آثار مستقل گذشته، حتی نوعی افول دیده می‌شود. در اواخر همین سده یا اوایل قرن ششم ق اثر دیگری با عنوان فی آداب الحسبه (سقطی، ۱۹۳۱) در اندلس به رشته تحریر در آمد. همچنین در ابتدای دوره

۱. برخی آثار قرون اولیه مانند مختصر الحسبه اثر ابن معروف (ابن جوزی، ۱۴/ ۲۳۱) و نصاب الاحتساب از تنوخی و اثری از حسن بن احمد بن عیسی اصطخری که ماوردی از آن در کتابش استفاده و از وی نقل قول کرده از میان رفته است (ماوردی، ۳۵۵، ۳۶۵؛ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: سجادی، ۲۰/ ۴۸۸-۵۲۰).

۲. غیر از منابع ذکر شده آثار دیگری نیز مانند احیاء علوم الدین (غزالی، ۲/ ۶۶۱-۷۶۶)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر (ابن تیمیه، ۱-۸۰)، تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام (ابن جماعه، ۹۱-۹۲)، الترتیب الاداریه و العمالات و الصناعات (الکتانی، ۲۳۹)، تحفه الناظر و عنیه الذاکر فی حفظ الشعائر و تغییر المناکر از عبدالله محمد بن احمد بن قاسم تلمسانی (م ۸۷۱ ق) (باقری بید هندی، ۱۳۲)، الكنز الأكبر فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر (ابن داود حنبلی، ۱۹۹۶)، الحسبه فی الأمراض نوشته عبدالملک بن حبیب السلمی، الاشاره الی محاسن التجاره و غشوش المدلسین فیها (دمشقی، ۱۳-۸۹)، المختارات فی کشف الاسرار و هتک الاستار (جویری، ۷-۱۵۵) در این حوزه جای می‌گیرند ولی از ذکر آن‌ها اجتناب شده است.

۳. در منابع مربوط به اندلس منظور از صاحب السوق همان محتسب است.

۴. بخشی از کتاب الاحکام السلطانیه که در مورد حسبه است تحت عنوان الرتبه فی طلب الحسبه به صورت مجزا چاپ شده است (ماوردی، ۲۰۰۲).

ایوبی، کتاب نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه تألیف گردید (الشیزری، ۲۰۰۳). در اواخر همین قرن یا اوایل سده ششم ق نصاب الاحتساب (السنامی، ۱۹۸۶) و رساله ابن عبدون (ابن عبدون، ۱۹۵۵) در اندلس نوشته شد.

در سده ششم و هفتم ق، دو رساله به نام‌های فی آداب الحسبه و المحتسب (ابن عبدالرئوف، ۱۹۵۵) و فی آداب الحسبه (الجرسیفی، ۱۹۵۵) در اندلس به رشته تحریر درآمد. از آثار قرن هفتم ق، نصاب الاحتساب علی مذهب الائمه الحنفیه نوشته ابن عوض (زرکلی، ۵/ ۵۲) و رساله الحسبه فی الاسلام (ابن تیمیه، بی تا) را می‌توان نام برد. در اواخر قرن هفتم و اوایل سده هشتم ق، ابن رفاعه (۶۴۵-۷۱۰ ق) کتاب الرتبه فی الحسبه را نوشت (سجادی، ۲۰/ ۴۹۲). این فعالیت‌ها در کنار تجربه‌های شخصی، زمینه را برای نگارش یکی از شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین آثار حسبه یعنی معالم القربه فی احکام الحسبه فراهم آورد (ابن اخوه، ۱۳۶۰). در سده نهم ق، جمال‌الدین یوسف معروف به ابن مبرد دمشقی (۹۰۹ ق) رساله ای مختصر به نام کتاب الحسبه نوشت (سجادی، ۲۰/ ۴۹۲) و همچنین، کتاب بغیه الاربه فی معرفه احکام الحسبه (ابن دبیع، ۲۰۰۲) به رشته تحریر درآمد. سده سوم ق با توجه به موارد مطرح شده، در واقع صر تکوین حسبه نویسی است و سده هفتم و هشتم ق را به این سبب که برخی از کتب و رسالات در این دوره نوشته شد، می‌توان از ادوار شکوفایی حسبه نویسی در تمدن اسلامی به شمار می‌روند.

۳- مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر حسبه نویسی

در تکوین حسبه نویسی، علل و انگیزه‌های چندی قابل‌شناسایی است. به نظر برخی پژوهشگران «توجه به حساسیت وظایف امر حسبه که می‌توانست مصداق‌های اجتماعی عدیده‌ای داشته باشد، علما و فقهای مسلمان را در قرون نخستین بر آن داشت تا به تألیف کتاب‌هایی در این زمینه بپردازند» (فرخی و ناصری، ۷۷). وجود شرایط مناسب و انگیزه‌های چندی در قالب عوامل مذهبی، اداری و انتقال تجارب در این روند تأثیر داشته است که در ادامه به مهم‌ترین آنها پرداخته خواهد شد.

برای بررسی علل حسبه نویسی می‌باید تعریف مؤلفان آثار حسبه را از این امر در نظر گرفت و گرچه تعاریف آنها کمابیش شبیه است، ولی از این طریق می‌توان تا حدودی به سبب تألیف در این زمینه نزدیک شد. از دید برخی «حسبه امر به معرف است زمانی که وانهاده شده و نهی از منکر هنگامی که آشکار شده است» (ماوردی، ۳۴۹؛ ابی یعلی،

(۲۸۴). برخی نیز علاوه بر آن، اصلاح روابط مردم (ابن بسام، ۲۹۲؛ ابن دبیع، ۵۳؛ ابن اخوه، ۹) در راستای خیر و نیکی (ابن عبدون، ۳) و مسأله تعزیرات را در نظر داشته اند (السنامی، ۲۰۵). فرهنگ‌سازی و ترویج امر به معروف و نهی از منکر از دیگر عوامل این مهم به شمار می‌رود (ابن اخوه، ۱۸؛ ابن عبدون، ۳)، ولی جنبه نهی آن به صورت نمایان‌تری به نظر می‌رسد.

نگرانی علما و فقها از گسترش برخی انحرافات و مفساد و دگرگونی در سنت‌ها چنانکه نویسندگان معالم‌القربه اشاره کرده از دیگر عوامل این اقدام بوده است: «در این زمان آگاهی و عمل به امر به معروف و نهی از منکر ترک شده و درستی و نشانه‌های آن از بین رفته و مدهانه و ریاکاری بر قلوب مردم استیلا یافته و توجه به خداوند به فراموشی سپرده شده است. مردم مانند چارپایان به پیروی از هوای نفس و شهوات تن داده و مؤمن راستین که در راه خدا از سرزنش نترسد اندک پیدا می‌شود» (ابن اخوه، ۱۸؛ ابن عبدون، ۵۹-۶۰). منابع حسبه در واقع، حاصل تقابل میان کمال‌گرایی ناشی از توصیه‌های دینی و اخلاقی و نوع عمل اجتماعی عینی در سطح جامعه است. فقه به سبب خصلت خود به بایدها و نبایدها می‌پردازد و کج‌روی‌ها و انحرافات را نیز منعکس می‌کند. بر این اساس، تعارض و تضاد بین آنچه در جامعه جریان دارد، با آنچه از منظر اعتقادی مطلوب و پسندیده است، بر این روند مؤثر تواند بود. گرچه برخی از این کتاب‌ها تحت تأثیر فقه بوده و بلکه از آن مایه گرفته است، ولی منابع حسبه تا حدودی متفاوت از کتب فقهی است و شاید بتوان آنها را به گونه‌ای، کوشش برای استقلال از فقه محسوب داشت. گسترش شهرها و رونق شهرنشینی و پیچیدگی مناسبات اجتماعی و لزوم ایجاد نظم نیز در این روند بی‌تأثیر نبوده است. ظلم و ستم و سکوت در برابر بدعت‌ها و منکرات، عامل دیگری در نگارش این گونه آثار بوده است (ابن عبدون، ۵۹-۶۰؛ سنامی، ۱۸۸-۱۸۹).

حسبه امری تخصصی بود و شمار اندکی با روند اجرای آن آشنایی داشتند (اطروش، ۳۸) و چنین به نظر می‌رسد که بتوان آموزش و انتقال تجارب را نیز بر حسبه نویسی مؤثر دانست. بر این اساس، برخی از مؤلفان با هدف آگاهی‌بخشی و آموزش دست به کار تألیف زده اند. در این کتاب‌ها، روی سخن با محتسب به عنوان مقام و مسئول نهاد حسبه است. از نظر این نویسندگان، محتسب ضابط قانون است و اقدامات وی در بهبود شرایط اجتماعی تأثیر دارد. مؤلفان می‌کوشیدند بر اساس مبادی فقهی و گاه عرف محل وظایف و اختیارات وی را تبیین نمایند؛ لذا می‌توان این منابع را نوعی آیین‌نامه عملی برای

محتسبان به شمار آورد (فرخی و ناصری، ۷۷). حاجی خلیفه (۱ / ۱۵) حسبت را ذیل علوم قرار داده و این موضوع تا حدی مؤید این نظر است. مؤلفان این منابع به‌ویژه شاغلان این منصب، از راه ممارست و تجربه آگاهی‌هایی به دست آورده و در کنار استفاده از فروعات فقهی و تطبیق تجارب با آن، با هدف انتقال تجربه به این مهم اقدام کرده‌اند (ابن اخوه، ۳-۴). همچنین بخشی از این منابع را می‌توان در حکم رساله‌های عملیه برای آموزش احکام محسوب داشت.

۴- محتوای منابع حسبه

بررسی آثار موجود در باب حسبه حاکی از آن است که محتوای آنها شامل این موضوعات است: امر به معروف و نهی از منکر، لزوم انتصاب و شرایط محتسب، رعایت مظاهر دینی، واجبات، محرّمات و منکرات همچون شرب خمر و زنا، اذان و مؤذن، نماز و مسائل مربوط به آن مانند جماعت، جمع و عید، نصاب شرعی، اماکن مقدس مانند مساجد، احکام و قوانین مربوط به بانوان، خرید و فروش و مسائل مربوط به آن، اهل ذمه، بهداشت شهری، امر قضاء، منازعات، اختلافات فردی و بسیاری موارد دیگر. با توجه به اهمیت مسائل مالی و لزوم نظارت بر فعالیت اهل بازار و در جهت حفظ حقوق مصرف‌کنندگان، بخش عمده ای از شماری منابع، به‌ویژه آن دسته که جنبه عملی^۱ بر آنها غالب است، به نظارت بر جریان خرید و فروش کالاها و خدمات و در کل زندگی شهری اختصاص دارد و در این بخش، گاه از بیش از یک‌صد شغل و پیشه و شیوه‌های نادرست ایشان سخن به میان آمده است (نک: ابن بسان و ابن اخوه). این فصول در بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی شهرها در تمدن اسلامی حائز اهمیت بسیار است. منابع حسبه حاوی جزئیات، مطالب کمیاب و نادر، انبوهی اطلاعات درباره شهر، اوضاع اجتماعی، آداب و رسوم اند و در کل منبع سودمندی در مطالعات تاریخ اجتماعی به شمار می‌روند، چندان که گاه از این جهت از منابع تاریخ‌نگاری اهمیتی به مراتب فزون‌تر می‌یابند.

منابع عربی حسبه، با توجه به آیات، روایات، منابع ادوار گذشته و به‌ندرت اشعار تألیف

۱. برخی پژوهشگران این منابع را به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. شماری از این منابع که مبتنی بر مشاهدات عینی و میدانی مؤلف نیست، در زمره آثار تئوری و نظری قرار می‌گیرند و آثاری که حاصل مشاهدات عینی و نوعی دستورالعمل برای محتسبان محسوب می‌شوند، در شمار منابع عملی و کاربردی جای دارند و برای امور روزانه به رشته تحریر درآمده‌اند (پاکتچی، ۲ / ۷۱۹).

شده است. در میان حسیبه نویسان، سقطی بیشتر از دیگران به ابیات استشهاد کرده است (ابن اخوه، ۲۹-۳۰؛ ماوردی، ۳۶۳، ۳۶۴؛ سقطی، ۶، ۷، ۸، ۵۳، ۵۴). آن دسته از منابع که حاصل تجربه‌های شخصی مؤلف است، در مقایسه با سایر منابع، ویژگی‌های خاصی دارند. منابع حسیبه با وجود پاره‌ای شباهت‌ها، در برخی موارد و موضوعات تفاوت‌هایی دارند: شباهت میان آثار ماوردی، ابو یعلی، شیزری و سنّامی قابل توجه است و در مقابل، نهاییه‌الرتبه فی طلب الحسیبه که بر اساس پرسش و پاسخ نوشته شده، از نظر شیوه با سایر منابع متفاوت است.

چنین به نظر می‌رسد که با توجه به محتوا و حجم، بتوان این منابع را به ۳ دسته تقسیم کرد: دسته اول، رسالات کوتاه یا فصلی از کتاب است و نویسندگان آن‌ها نسبت به رعایت ضوابط فنی فقها و محدثان مقید بوده و عمدتاً حالتی تئوری دارند (پاکتچی، ۲/۷۱۵). الاحکام السلطانیه و نیز تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام را می‌توان در این گروه قرار داد. دسته دوم، مسائل و موضوعات بیشتری را نسبت به منابع دسته اول پوشش می‌دهند و تا حدودی از جنبه نظری فراتر رفته‌اند؛ مانند کتاب احکام السوق، رساله ابن عبدالرئوف و الحسیبه فی الاسلام أو وظیفه الحکومه الاسلامیه. دسته سوم از منابع حسیبه، تفصیل و جزئیات بیشتری دارند و در کنار توجه به مسائل نظری در فصول اولیه، کاربردی اند و در بخش مربوط به مسائل اجتماعی شهرها، در آنها بر موضوعاتی مانند معابر، بهداشت و درمان، اصناف و پیشه‌وران و مانند اینها بیشتر تمرکز شده است؛ این قبیل آثار در واقع نوعی آیین‌نامه یا قانون اداری شهر محسوب می‌شوند و در مقایسه با دو دسته اول، از نظر نظم، حجم، شمار ابواب و تفصیل بیشتری دارند و کمتر به دام تکرار افتاده اند و در عین تأکید بر مسائل نظری، در آنها به مسائل عملی در عرصه‌های اجتماعی بیشتر توجه شده است (پاکتچی، ۲/۷۱۵). در این منابع، مؤلف شرحی از فعالیت‌های انسانی در عرصه‌های مختلف زندگی شهری به دست داده است. در این کتاب‌ها گاه مسائلی مطرح شده است که در سایر منابع حسیبه وجود ندارد: حسیبه بر کاغذ و کاغذ فروشان، بنگ (سنّامی، ۹۳، ۲۶۴-۲۶۶)، اوزان و مقادیر (ابن اخوه، ۶۳-۶۶) تدلیس‌های اهل جِرف و بازار. آثار ابن اخوه، سنّامی، سقطی و ابن دیبع را می‌توان در ذیل این دسته تقسیم‌بندی کرد.

۵- مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر متن

تکوین یک اثر تحت تأثیر مؤلفه‌های چندی اتفاق می‌افتد. براین اساس می‌توان منابع

هر دوره را تا حدودی نشان‌دهنده مسائل و ویژگی‌های منطقه‌ای از جهان اسلام در برهه‌ای خاص از تاریخ دانست. علل و مؤلفه‌هایی در نوع نگارش آثار حسبه مؤثر بوده‌اند؛ مانند منزلت و جایگاه نویسندگان، مسائل محلی، مذهبی و چگونگی استفاده از منابع به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۱-۵- جایگاه نویسندگان

در تکوین منابع حسبه نویسندگانی با جایگاه علمی و اجتماعی متفاوت نقش داشته‌اند، مانند فقها، محدثان، محتسبان و قضات و حتی حکام. جایگاه نویسندگان و دیدگاه‌های ایشان در کنار تجربه‌های هرکدام، در نوع و سمت و سوی نگارش و متن تأثیرگذار بوده است.

انگیزه دینی و رویکرد مذهبی عامل مهمی در نوشتن آثار مربوط به حسبه بوده است. از آنجا که منابع حسبه از فروع فقہی است، طبقه فقها و محدثان، مؤلفان غالب این قبیل آثار بوده‌اند: ماوردی، ابویعلی، ابن رفعه، السناسی و ابن جماعه از آن جمله‌اند. ابن تیمیه خود به اقامه حدود و تعزیرات می‌پرداخت (زرکلی، ۶/۴) و ناصر اطروش علاوه بر آنکه فقیه بوده، در شمار حکام نیز قرار داشت.

گروه دوم از مؤلفان حسبه نویسی قاضیان بوده‌اند. شماری از فقها که منصب قضاء داشته‌اند، در این زمینه نیز فعالیت می‌کرده‌اند. برای مثال ماوردی، ابن رفعه، سناسی و ابن جماعه مدتی به امر قضاء اشتغال داشته‌اند و با توجه به آگاهی‌هایی که در زمینه‌های اجتماعی کسب کرده بودند، آثاری در این موضوع پدید آوردند. مقایسه آثار این دسته با تألیفات محتسبان حاکی است که بر نوشته‌های این گروه، نظریه غلبه داشته است.

دسته سوم از نویسندگان آثار مربوط به حسبه، جایگاه دیوانی داشته‌اند و مدتی اداره نهاد حسبه را در یکی از شهرهای مهم عهده‌دار بوده‌اند. انگیزه ایشان، چنان‌که مطرح شد، انتقال تجربه‌های خود به‌ویژه تدلیس‌های موجود در میان اهل بازار به همگنان بوده است. ایشان علاوه بر آنکه به‌عنوان فقیه یا محدث، از مبادی معرفتی و دانش دینی بهره داشتند، خود متصدی امور حسبه و در شمار محتسبان بودند و بنابر پایه آگاهی‌های شغلی با تکیه بر منابع دینی به این امر اقدام کرده‌اند. همین مسأله سبب شده تا این دسته از منابع جنبه اداری و عملی بیشتری داشته باشند. ابن بسام، ابن رفعه و ابن اخوه را می‌توان در شمار این گروه قرار داد.

۲-۵- تأثیر مسائل محلی

با توجه به گستردگی دنیای اسلام از سند و ماوراءالنهر در شرق تا اندلس در مغرب، فرهنگ و مسائل محلی، آداب و رسوم در کنار دستورهای اسلامی، بر این منابع مؤثر بوده و می‌توان ویژگی‌های مناطق مختلف را تا حدودی در لابه‌لای آنها ملاحظه کرد. برای مثال، در کتاب الاحتساب به آیین‌ها و آداب و رسوم ایرانیان در سده سوم ق، موسیقی، تراشیدن ریش و مسائل مربوط به زرتشتیان اشاره شده و گاهی واژگان فارسی همچون «مارماهی» در آن به کار رفته است (اطروش، ۴۱، ۴۶، ۶۷، ۷۱، ۷۳). ماوردی و ابویعلی در آثار خود بیشتر تحت تأثیر مسائل عراق و بغداد قرار داشته‌اند. در اثر سنّامی که کتاب خود را در دوره پس از حمله مغول و صدمات وارده به شرق اسلامی و گسترش خرافات نوشته، مسائل شبه‌قاره هند و آثار آن تا حدودی قابل ملاحظه است (سنّامی، ۶۱). همچنین استفاده از جملات و واژگان فارسی تأثیر فرهنگی ایران را بر شبه قاره هند به خوبی نشان می‌دهد (همان، ۱۲۷، ۱۵۵، ۱۸۸).

کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه و نهایه الرتبه فی طلب الحسبه در مصر نوشته شده و از مسائل آنجا متأثر بوده‌اند. برای مثال نهی از فحاح به دستور الحاکم (ابن بسام، ۳۲۳)، یا اعتقاد به اینکه جبرئیل با بال‌های خود نیل و فرات را فرود آورده، از نمونه‌های فضای محلی است^۱ (ابن اخوه، سیزده). نمونه دیگر این تأثیر را می‌توان در بخش تدلیس‌های آهن‌گران و تبعید ایشان در صورت ادامه اعمال خلاف ملاحظه کرد (ابن اخوه، ۱۵۱). نویسنده سبب حکم تبعید را مشخص نکرده، ولی به احتمال بسیار این مسأله ناشی از کمبود آهن به عنوان کالایی استراتژیک در مصر و منع خروج آن بوده است (لومبارد، ۳۷). توضیحات نسبتاً کامل از میزان و کمیت واحدهای اندازه‌گیری در مصر نیز مؤید چنین تأثیراتی است (ابن اخوه، ۱۸). همچنین نویسنده بغیه الاربعه فی معرفه احکام الحسبه، مسائل منطقه یمن را در دوره استیلای ممالیک منعکس کرده است.

در منابع مربوط به مغرب و اندلس نیز تأثیر مسائل محلی را می‌توان ملاحظه کرد: کتاب احکام السوق که تحت تأثیر مسائل مغرب و اندلس نوشته شد (یحیی بن عمر، ۷۱) و ابن عبدون چون اهل اشبیلیه بود، به مسائل این شهر بیشتر توجه کرده است (ابن عبدون، ۱-۲۸). مسأله «جلاس» یعنی دلالی در اندلس، همچنین مسأله مرابطون و

۱. در متن فارسی این مطالب حذف و تنها در مقدمه بدان اشاره شده است. در دو متن عربی در دسترس نیز این مطلب وجود نداشت.

سوءاستفاده از «لثام» که دهان و قسمتی از صورت را می‌پوشاند و عادت قبایل بربر در اندلس بود و مشکلاتی ایجاد می‌کرد، از نمونه‌های تأثیر مسائل محلی بر منابع حسبه در اندلس است (همان، ۲۶، ۴۲). باتوجه‌به ویژگی اجتماعی و ترکیب جمعیتی و دینی این منطقه مسائل مربوط به اهل ذمه مانند وضعیت زنان، شراب و نگهداری از خوک و مسائلی از این دست در آثار مربوط به اندلس بیش از سایر مناطق انعکاس یافته است (الجرسیفی، ۲۲).

۳-۵- تأثیر رویکرد مذهبی

چنان‌که اشاره شد، مؤلفان منابع حسبه غالباً از طبقه فقها و پیروان مذاهب اربعه اهل سنت بوده‌اند. بر این اساس، تأثیر مذهب و رویکرد فقهی ایشان در آثار ایشان در این زمینه کاملاً مشهود است. در میان مذاهب اهل سنت، مذهب حنفی در قرون اولیه بیشتر از دیگران مذاهب گسترش داشت، ولی چنان‌که اشاره خواهد شد، حسبه نویسی به‌صورت مستقل در میان ایشان چندان رواج نیافت و فقهای شافعی، حنبلی و مالکی در این زمینه بیشتر فعالیت می‌کردند.

از جمله فقهای شافعی ماوردی است که در الاحکام السلطانیه روش مقایسه‌ای را در مذاهب اربعه در پیش گرفته، ولی تکیه اصلی او بر فقه شافعی بوده است (ماوردی، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۶۴، ۳۶۵). نویسندگان معالم القربه نیز در فروع پیرو فقه شافعی و در اصول گرایش اشعری داشت (ابن اخوه، ۳)، بنابر این، در کنار اشاره به نظر سایر مذاهب در نتیجه‌گیری اساس کار خود را بر فقه شافعی قرار داده است (ابن اخوه، ۱۶، ۱۹، ۹۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۸، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۱). وی در زمان نتیجه‌گیری و صدور حکم برخی مسائل از «در مذهب ما» یعنی شافعی استفاده می‌کند (همان، ۲۴۰). مؤلف کتاب بغیه الاربه فی معرفه احکام الحسبه نیز پیرو مذهب شافعی بوده و بر همان اساس پیش رفته است (ابن دیبع، ۶۲).

بخشی از منابع حسبه را فقهای حنبلی^۱ مانند ابویعلی و ابن تیمیه نوشته‌اند و در آثار ایشان اندیشه‌های احمد بن حنبل انعکاس بیشتری یافته است. ابویعلی بیشتر بر روایات تکیه دارد که به نظر می‌رسد متأثر از رویکرد حنبله باشد. وی گاهی نظرات سایر مذاهب

۱. البته باید متذکر شد که در سده چهارم ق باتوجه به فهرست ابن ندیم، حنبله هنوز در شمار مذاهب فقهی قرار نداشته‌اند (ابن ندیم، ۴۱۸-۴۱۷).

را مطرح و در ادامه نظر احمد بن حنبل را با «قال احمد» بیان می‌کند (ابویعلی، ۲۸۸، ۲۹۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸). از نمونه‌های تأثیر رویکرد مذهبی بر کتاب وی را می‌توان در مسأله نکاح ملاحظه کرد: ابویعلی در موضوع «متعه» اولاد چنین ازدواج‌هایی را مساوی زن‌زاده قلمداد کرده است (ابویعلی، ۲۹۷). از دیگر نویسندگان حنبلی، می‌توان از ابن تیمیه نام برد که در اثر خود مانند سایر نویسندگان، ابتدا دیدگاه مذاهب اربعه را ذکر و سپس افتراق آنها و در نهایت نظر احمد بن حنبل و دیگر علمای حنبلی را مطرح و تأیید کرده است (ابن تیمیه، ۲۳-۲۵، ۳۱-۳۳). وی آموخته‌های خود را در دفاع از اصول حنابله و محدثان به کار گرفته است (زریاب، ۱۷۸/۳).

با توجه به گسترش مذهب مالکی در شمال آفریقا و اندلس، منابع تألیف شده در باب حسیبه در این مناطق متأثر از فقه مالکی است (الفاسی، ۷۵). احکام السوق از مهم‌ترین منابع این بخش از دنیای اسلام است و نویسنده آن، از فقه مالکی در مقابل سایر مذاهب مانند اسماعیلیه، که فعالیت داعیان آن در اواخر سده سوم ق در حال گسترش بود، سخت دفاع می‌کند. وی نظر مالک را با «قال مالک» آورده و در پاره‌ای موارد نظر خود را مطرح کرده است (یحیی بن عمر، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۷۴). نویسندگان ۳ رساله حسیبه مربوط به اندلس نیز تحت تأثیر همین مذهب بوده‌اند (جر سیفی، ۱۲۱).

چنان‌که اشاره شد، در مقایسه با ۳ مذهب یادشده، فقهای حنفی در تألیف کتاب در موضوع حسیبه چندان فعال نبوده‌اند. تنها منبع موجود حسیبه نویسی مربوط به این مذهب، نصاب الاحتساب است. نویسنده این کتاب از دیدگاه‌های فقهی ابوحنیفه و علمای حنفی پیش از خود سود برده و نظر ابوحنیفه را با ذکر «قال ابوحنیفه» مطرح کرده است (سنامی، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۴۲). از مذاهب شیعه در این دوره، تنها منبع موجود و شناخته شده، الاحتساب تألیف ناصر کبیر است. مؤلف بر مذهب زیدی بود و نظر فقهای این مذهب را منعکس کرده است (الاطروش، ۴۰، ۴۱، ۵۱، ۵۵، ۵۶). شیعیان امامی تا عهد صفوی در پی نهاد و مقام محتسب نبودند، ولی از دوره صفویه اصطلاح حسیبه در آثار فقهی شیعه رواج یافت (صرامی، ۲۸).

تفاوت مذهبی نویسندگان این آثار، در انتخاب روایات و به‌ویژه صدور احکام مختلف آشکار شده است؛ برای نمونه، بسته به مذهب و گرایش فقهی در مسائلی مانند امر به معروف و نهی از منکر، مرجع تعیین محتسب، حدود اختیارات و اقدامات تأدیبی مجرمان و نوع آن تفاوت‌هایی قابل ملاحظه است.

۴-۵- منابع حسبه نویسی

حسبه نویسی را می‌توان از فروعات فقه اسلامی به شمار آورد که از دو منظر فقهی و اخلاقی درصدد نظارت بر فعالیت‌های دینی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان است. قوانین دینی ریشه در قرآن، سنت و اجماع دارد و گاهی نیز تحت تأثیر عرف بوده است. بر این اساس و با توجه به اینکه نهاد حسبه برای نظم اجتماعی ایجاد شده، نویسندگان این منابع در تأیید دیدگاه فقهی به‌ویژه در مقدمه و بخش مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و لزوم نصب محتسب برای نظارت بر فعالیت‌های مختلف، از کتاب و سنت و گاه اجماع بهره برده‌اند. همین مسأله سبب شده است تا این بخش منابع حسبه جنبه نظری بیشتری داشته باشند. از جمله مهم‌ترین منابع، آیات قرآن کریم است (ابن عبدون، ۷، ۸؛ شیزری، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۴؛ ابن عبدالرئوف، ۶۹، ۷۵، ۷۸، ۸۳، ۸۴؛ سقطی، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸؛ ابن بسام، ۲۸۴، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۶۷، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵؛ ابن اخوه، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱). البته می‌باید متذکر شد که میزان استناد به آیات در منابع حسبه متفاوت است؛ برای مثال، ماوردی در مقایسه با ابویعلی، برای اثبات موضوعی بیشتر به آیات قرآن کریم استناد کرده است.

سیره نبوی، احادیث و در پاره‌ای موارد رأی خلفای نخستین از دیگر منابع استنادی در حسبه نویسی است (ابویعلی، ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴؛ ابن بسام، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۵، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۵۶، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۸۳؛ سقطی، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶؛ ابن اخوه، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴؛ یحیی بن عمر، ۵۶، ۶۲، ۶۹، ۷۲، ۷۴؛ شیزری، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۳). برخی از نویسندگان کمتر به آیات استناد کرده و اثر خود را بر اساس احادیث و روایات نوشته‌اند: در الاحتساب، مؤلف، روایات پیامبر (ص) (الاطروش، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۶۹)، امام علی (ع) (همو، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۵۴، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۲، ۷۴)، امام صادق (ع) (همو، ۴۶، ۵۵) و حضرت فاطمه (همو، ۵۰) را در اثبات مسائل مختلف مستند قرار داده است. در الاحکام السلطانیه ابویعلی تکیه اصلی بر احادیث است. البته باید یادآوری کرد که در اکثر این منابع و بیشتر در بخش‌های اولیه، در باب لزوم وجوب محتسب و شرایط آن، مؤلفان در مسأله امر به معروف و نهی از منکر، به آیات قرآن استناد کرده‌اند، اما در سایر بخش‌ها این جنبه به‌ندرت ملاحظه می‌شود. برای نمونه نوشته سقطی در این گروه قرار می‌گیرد. در حالی

که در آثار برخی نویسندگان مانند ابن عبدون و ابن جماعه از این دو منبع استفاده چندانی نشده است.

نوع دیگر استناد مؤلفان به آثار مشابه یا مربوط به موضوع از علمای پیشین است. برای مثال، سنّامی از کتب معتبر فقهای پیش از خود، به‌ویژه علمای حنفی استفاده کرده است. ارجاع به مآخذ، یکی از ویژگی‌های قابل توجه در آثار مربوط به حسبه است. برای مثال، ماوردی از ابوسعید اصطخری که پیشتر محتسب بغداد بوده و گویا کتابی هم در این زمینه داشته، استفاده کرده است (ماوردی، ۳۵۵، ۳۶۵). ابن بسام به کتاب شیزری ارجاع داده (ابن بسام، ۲۸۵) و سنّامی به برخی کتب متقدم مانند الاحکام السلطانیه ماوردی و ابویعلی و نوشته ابن درید اشاره کرده است (سنّامی، ۸۰، ۲۳، ۲۴). ابن دیبع از الاحکام السلطانیه و نوشته‌های غزالی سود برده است (ابن دیبع، ۴۹). جرسیفی در رساله خود از الاحکام السلطانیه، آثار ابن سهل، کتاب ابن یونس یاد می‌کند (جرسیفی، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹). در کنار کتاب و سنت، چنان‌که اشاره شد، عرف رایج در مسائل اجتماعی هر منطقه نیز مورد توجه برخی نویسندگان بوده و بر متن تأثیر داشته است (ابن اخوه، ۱۱).

نتیجه

بنابر پژوهش حاضر، سابقه حسبه نویسی، با توجه به آثار موجود به سده سوم ق بازمی‌گردد و این روند تا قرن نهم ق فراز و نشیب‌هایی را تجربه کرده و تا دوره معاصر تداوم یافته است. تقریباً در اکثر ادوار تاریخی، کتب و رسالات چندی در خصوص حسبه در عالم اسلامی به رشته تحریر درآمد؛ گرچه سده سوم و اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم از ادوار شکوفایی حسبه نویسی بوده است. در نگارش این آثار انگیزه‌های چندی همچون مقابله با انحرافات، فرهنگ‌سازی و امر به معروف و نهی از منکر ملاحظه می‌شود و این نقطه مشترک همه این قبیل آثار به شمار می‌رود. در کنار آن، آموزش و انتقال تجربه‌ها نیز عاملی قابل توجه در این روند بوده است. منابع حسبه حاصل کوشش گروه‌ها و طبقه‌ای خاص در تمدن اسلامی بوده است. در این آثار، عالمان، تعالیم دین را در راستای گسترش ارزش‌های الهی و اخلاقی و جلوگیری از هنجارشکنی با واقعیت‌های جامعه و نیازهای زمان خود پیوند می‌داده‌اند. البته از این نظر، همه نویسندگان را نمی‌توان در یک سطح قرار داد و کسانی که در عرصه اجتماع و در ارتباط با اقشار مختلف

تجربه داشتند، در عرصه نگارش نیز، امتیاز بیشتری به خود اختصاص داده‌اند. محتوای منابع حسبه تحت تأثیر انگیزه‌ها و به‌نوعی تبلور آن به شمار می‌رود و طیف وسیعی از بایدها و نبایدهای مذهبی، اقتصادی و اجتماعی را با تکیه بر قرآن و سنت و گاه عرف شامل می‌شود. در این میان رویکردهای مذهبی، فرهنگ، آداب و رسوم محلی و مسائل اجتماعی مناطق مختلف، در رویکرد نویسندگان و در نتیجه متن، تأثیر داشته‌اند، گو اینکه میزان تأثیر یکسان نیست. حسبه نویسان با شناخت متون دینی و مسائل فقهی، در پی جایگزینی وجوه ایجابی مناسب با وجوه سلبی با تدوین قوانین و ایجاد نظارت بر مسائل دینی، اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند. بر این روند عوامل چندی در قالب جایگاه اجتماعی و شغلی نویسندگان، مذهب و منابع مورد استناد اثر نهاده است. در این میان، مذهب و تصدی امور حسبه تأثیری به‌مراتب بیشتر داشته و تفاوت‌های این منابع نیز به نوعی ناشی از این دو مسأله و مؤلفه‌های ناشی از آن است.

منابع

- ابن اخوه، ضیاءالدین محمد بن احمد بن ابی زید قرشی، آیین شهرداری ترجمه معالم القربه فی احکام الحسبه، ترجمه جعفر شعار، چ دوم، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰.
- ابن الدبیع، وجیه الدین عبدالرحمن بن علی شیبانی، کتاب بغیه الاربه فی معرفه احکام الحسبه، تحقیق طلال بن جمیل الرفاعی، مکه: جامعه ام‌القری، ۲۰۰۲.
- ابن بسام، محمد بن احمد، نهایه‌الرتبه فی طلب الحسبه در: کتاب السیاسه أو الاشاره فی تدبیر الاماره، تحقیق محمدحسن محمدحسن اسماعیل و احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، چ دوم، بیروت: دارالکتاب‌الجدید، ۱۹۸۴.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الحسبه فی الاسلام أو وظیفه الحکومه الاسلامیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- ابن جماعه، بدرالدین، تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام، تحقیق فؤاد عبدالمنعم احمد، قطر: محاکم الشرعیه والشئون الدینیة بدوله قطر، ۱۹۸۵.
- ابن جوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: ۱۹۹۲.
- ابن داود الحنبلی، عبدالرحمن، کنز الاکبر من الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، تحقیق مصطفی عثمان حمیده، بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۶.
- ابن عبدالرووف، احمد بن عبدالله، فی آداب الحسبه و المحتسب در: ثلاث رسائل اندلسیه فی آداب الحسبه و المحتسب، به کوشش ای لویی پروونسال، قاهره: مطبعه لمعهد العلمی الفرانسی لآثار الشرقیه، ۱۹۵۵.

- ابن عبدون، محمد بن احمد، رساله ابن عبدون در: ثلاث رسائل اندلسیه فی آداب الحسبه و المحتسب، به کوشش ای لویی پروونسال، قاهره: مطبعه لمعهد العلمی الفرانسی لآثار الشرقیه، ۱۹۵۵.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- ابوزید، سهام مصطفی، الحسبه فی مصر الاسلامیه من الفتح العربی الی نہایت العصر المملوکی، بی‌جا: الهیئہ المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۶.
- ابی یعلی، محمد بن الحسین الفراء الحنبلی، الاحکام السلطانیه، تصحیح محمد حامد الفقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۰.
- الاطروش، الناصر للحق الحسن بن علی، الاحتساب، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، صعده: مکتبه التراث الاسلامی، ۲۰۰۲.
- بادکوبه هزاوه، احمد، «حسبه در سرزمین‌های شرق اسلامی از آغاز تا سقوط بغداد»، رساله دوره دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، رشته تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳۷۶.
- باقری بید هندی، ز، «کتاب‌شناسی حسبه»، حکومت اسلامی، ش ۳، صص ۱۲۸-۱۵۰، سال چهارم، ۱۳۷۸.
- پاکتچی، احمد، «ابن اخوه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۷۱۵-۷۱۶، ۱۳۷۴.
- الجرسیفی، عمر بن عثمان بن عباس، رساله عمر بن عثمان الجرسیفی در: ثلاث رسائل اندلسیه فی آداب الحسبه و المحتسب، به کوشش ای لویی پروونسال، قاهره: مطبعه لمعهد العلمی الفرانسی لآثار الشرقیه، ۱۹۵۵.
- الجوبیری، زین‌الدین عبدالرحیم بن عمر دمشقی، المختار فی کشف الاسرار و هتک الاستار، بی‌جا: مکتبه یوسف الیان سرکیس و اولاده، ۱۳۰۲ ق.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲.
- حسین، شنینه، عبدالحلیم د. بیشی محمد، الحسبه و المحتسب فی الاندلس من الفتح الاسلامی الی سقوط مدینه غرناطه، بی‌جا: السنه الجامعه، ۲۰۱۲.
- الدمشقی، أبو الفضل جعفر بن علی، الإشرارة إلی محاسن التجارة و عشوش المدلسین فیها، تصحیح محمود الأرناؤوط، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۹.
- رحیم لو، یوسف، «ابن عبدون»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۰۶-۲۰۷، ۱۳۷۰.
- رفیعی، علی، «ابن جماعه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۴۵-۲۵۰، ۱۳۷۴.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ط الثامن، ۱۹۸۹.
- زریاب، عباس، «ابن تیمیه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۷۱-۱۹۳، ۱۳۷۴.
- سجادی، صادق، «حسبت»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۰، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، صص ۴۸۸-۵۲۰، ۱۳۹۳.

- السقطی، ابو عبدالله محمد بن ابی محمد، آداب الحسبه، به کوشش کولن ولیفی بروفنسال، پاریس: مطبعه ارنست لورو، ۱۹۳۱.
- السنامی، عمر بن محمد بن عوض، نصاب الاحتساب، تحقیق مرین سعید مرین عسیری، مکه: مکتبه الطالب الجامعی، ۱۹۸۶.
- الشیزری، عبدالرحمن بن عبدالله، نهایه الرتبه فی طلب الحسبه در: کتاب السیاسه أو الاشاره فی تدبیر الاماره، تحقیق محمدحسن محمدحسن اسماعیل و احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳.
- صرامی، سیف‌الله، حسبه یک نهاد حکومتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، چ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
- الفاسی، عبدالرحمن، خطه الحسبه، الدار البیضاء المغرب: دارالثقافه، ۱۹۸۴.
- فرخی، یزدان و ناصری، سمانه، «پژوهشی درباره پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آن‌ها بر اساس معالم القربه فی احکام الحسبه»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۲۶، صص ۷۳-۱۰۶، پاییز ۱۳۹۶.
- کاوسی، مینا و رضوی، ابوالفضل، «معرفی کتاب الاحتساب حسن اطروش» دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۴. <https://civilica.com/doc/548324/>
- کاوسی، مینا، «مآخذ شناسی نهاد حسبه در شرق جهان اسلام»، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد به راهنمایی ابوالفضل رضوی، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه خوارزمی.
- الکتانی، محمد عبدالحی، نظام الحکومه النبویه، المسمی التراتیب الاداریه، تحقیق عبدالله الخالدی، چ دوم، بیروت: دارالارقم، بی‌تا.
- لومبارد، موریس، جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰.
- الماوردی، علی بن محمد بن حبیب، الرتبه فی طلب الحسبه، به کوشش احمد جابر بدران و علی جمعه، قاهره: دارالرساله، ۲۰۰۲.
- الماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، تحقیق احمد جاد، قاهره: دارالحدیث، ۲۰۰۶.
- مؤذن جامی، محمدهادی، «ابن دبیح»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۵۲۳-۵۲۵، ۱۳۷۴.
- هلال السرحان، محیی، «ثلاثه مخطوطات فی الحسبه»، المورد، ش ۳، صص ۳۹۷-۳۰۴، ۱۳۵۱.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/272797>
- یحیی بن عمر، کتاب احکام السوق، گردآوری ابو عبدالله بن شبیل، به کوشش محمود علی مکی، بی‌جا: بی‌تا، بی‌تا.